

رانندگی زنانه زیر سایه کلیشه‌های مردانه

میلیون‌ها زن هر روز در خیابان‌هایی مشغول رانندگی هستند که متأسفانه هنوز پر است از رفتارهای توهین‌آمیز تحقیر جنسیتی و ... توسط برخی مردان که خیابان را متعلق به خود می‌دانند

سید مصطفی صابری | روزنامه‌نگار



هر روز میلیون‌ها زن ایرانی سوئیچ ماشین را برمی‌دارند و راهی خیابان می‌شوند؛ برخی برای بردن بچه‌ها به مدرسه، بعضی‌ها برای رسیدن به دانشگاه یا محل کار و حتی خیلی‌ها برای کار در تاکسی اینترنتی و ... اما خیابان کلان‌شهرها هنوز برای آن‌ها صرافاره عبور نیست بلکه صحنه نبرد است پر از توهین، تحقیر و فشار روحی، چرا که رانندگی یک زن، با وجود رفتار برخی از مردان، چیزی فراتر از کنترل کلاچ و دنده است؛ نوعی عبور بی‌وقفه از میدان مین تحقیر و کلیشه. حتی اگر سال‌هاست حضور زن پشت فرمان عادی شده، هنوز عده‌ای راننده زن را بی‌دقت و شکننده می‌بینند. هنوز گاهی کافی است کمی احتیاط یا تردید کوتاهی سر از یک راننده خانم دیده شود تا بوق ممتد یا خنده‌های تحقیرآمیز آغاز شود: «برو پشت ماشین لباس شویی»، «کی بهت گواهی نامه داده ضعیفه!»، قصه، فقط محدود به زمان احتیاط و تردید نیست. مردهایی هم هستند که بی‌بهرانه، با مانور ناگهانی یا سبقت بدون دلیل، گویی می‌خواهند قدرت خود را نشان دهند؛ چون فکر می‌کنند زن عقب می‌کشد. حتی عابران و موتورسواران هم بعضاً با بی‌احتیاطی و تهاجم، این باور اشتباه را تقویت می‌کنند که زنان در خیابان آسیب‌پذیرترند. حالا تصور کنید هر روز، با این نگاه و فضای پر از قضاوت یا پدرانندگی کنی؛ چشم‌هایی که همیشه در کمین خطا نشسته‌اند، جملاتی که با کوچک‌ترین حرکت اشتباه پرتاب می‌شود. با این حال، علم و آمار حقیقت را، طور دیگری روایت می‌کنند: زنان نه تنها قانون‌مدارترند و رفتاری ایمن‌تر دارند، بلکه سهم بسیار کمتری در تصادفات مرگبار دارند. اما این واقعیت‌ها کافی نیست تا حجم فشارهای روحی را کم کند. این پرونده دعوتی است؛ دعوت به شنیدن، تماشا و همدلی با زانانی که هر روز، بی‌هیاهو و مصمم، میان دنده‌های تبییض، خیابان را برای همه ما امن‌تر می‌کنند.

دل‌پر درد خانم از مصائب رانندگی

در خیابان‌هایی پر از توهین

پای صحبت خانم‌ها می‌کشیم دل‌پر داری از شرایط رانندگی در خیابان‌ها دارند که ربط چندانی به این که رانندگی فرد خوب است یا نه با تجربه است یا با احتیاط و ... ندارد؛ فقط کافی است فردی زن باشد تا از نگاه برخی مردان مورد تحقیر قرار بگیرد.

تماشای پارک کردن با پوزخند!

مهدیس مرادیان ۲۸ ساله می‌گوید: «از کودکی که مادرم رانندگی می‌کرد با این مسئله که آقایان رفتار نامناسبی با رانندگی خانم‌ها دارند دست و پنجه نرم می‌کردم. معمولاً این‌طور بود که نسبت به سرعتی که داریم در خیابان، یا لاینی که انتخاب کرده‌ایم برای رانندگی یا مثلاً قانون‌مداری که داریم برای این که احتمال تصادف را به حداقل برسانیم، آزار کلامی می‌رساندند. با این حال وضع فرق نکرده و حالا که خودم رانندگی می‌کنم به انواع روش‌ها باعث حواس‌پرتی و بهم‌زدن تمرکز می‌شوند. مورد بعدی هم که بارها برای خودم پیش آمده این است که می‌خواستم پارک کنم و ماشین‌ها به محض این که متوجه شدند که زن پشت فرمان است، شروع می‌کنند به بوق زدن. ناخودآگاه یا خودآگاه نمی‌دانم این پیش‌فرض در ذهن‌شان به وجود می‌آید که چون زن است پس نابرابری پارک کردنش بیشتر از حد معمول طول می‌کشد؛ بنابراین باید دست‌ها را بگذارم روی بوق یا سعی می‌کنند من را دست‌پاچه کنند. حتی آمده وقتی می‌خواستم پارک دوپل انجام دهم، بیرون می‌ایستند و دستشان را می‌زنند به کمرشان و با پوزخند منتظر می‌مانند تا تقلای تو از زمانی که داری فرمان را می‌چرخانی تماشاً کنند. یک دردرس دیگر این که وقتی در مواقعی مثل خرابی ماشین یا پارک کردن و ... با این که کمک نمی‌خواهیم احساس مسئولیت بی‌جا، کارشناسی و نظر دادن‌ها شروع می‌شود که آزار دهنده است.»

لج‌بازی و فحاشی

سارا ۴۵ ساله بیشتر از ۲۰ سال در خیابان‌های تهران رانندگی می‌کند و معتقد است بر خلاف گذشته که احترام به خانم‌ها بخش مهمی از فرهنگ مردانه بود، حالا وقتی طرف حساب آقایان یک خانم باشد حس می‌کنند می‌توانند هر کاری انجام دهند؛ او یک خاطره تلخ هم دارد می‌گوید: «یک شب ساعت ۱۰، وسط یک خیابان فرعی آقایی راه را بند آورده بود تا زن و بچه‌اش پیاده شوند؛ کلی معطل شدم، بوق زدم، اما محل نگذاشت، حتی لج کردف داخل خانه‌اش و چند دقیقه بعد آمد در پارکینگ را باز کرد که ماشینش را ببر داخل، وقتی اعتراض کردم کلی الفاظ رکیک استفاده کرد و در نهایت با قفل فرمان حمله کرد که ناچار شدم با دنده عقب گرفتن فرار کنم. واقعاً اگر طرف حسابش یک مرد بود این‌طور رفتار می‌کرد؟ متأسفم که هنوز در خیابان‌های تهران متلک گاز تو آشپز خونه است را به راننده‌های خانم می‌گویند؛ در درس رانندگی کنار وانت‌ها هم که مرد و زن نمی‌شناسد چون بیشترشان اهل رعایت نیستند.»

دردسرها ی رانندگی در جاده

مهسا ۳۳ ساله و کارمند اما به‌رغم وجود مشکلات روند را بهتر از قبل می‌داند و می‌گوید: «به نظر من نسب به ۱۵ سال پیش که من گواهی نامه گرفتم، الان وضعیت خیلی بهتر شده است و انگار جامعه هم قبول کرده که رانندگی خانم‌ها هم می‌تواند خوب رانندگی کنند. اما هنوز برخی آقایان تصور می‌کنند خیابان کلاً متعلق به آن‌هاست و به خودشان اجازه می‌دهند بیچند جلوی خانم‌ها و این نگاه همیشه وجود دارد. نکته دیگر رانندگی در جاده است و ماشین‌های سنگین معمولاً به خودشان اجازه می‌دهند محیط را برای خانم‌ها ناامن کنند و این پیام را منتقل کنند که یک خانم نباید در جاده رانندگی کند. نکته دیگر این که با این که برخی آقایان معمولاً فحش زیاد می‌دهند اما در رانندگی، من تا به حال فحش خیلی زشت از آقایان نشنیده‌ام و بیشتر تحقیر به واسطه جنسیتم بوده است که مثلاً می‌گویند برو بشین پشت لباس شویی و ...»



ریشه‌های خطایی فراگیر در خیابان‌ها

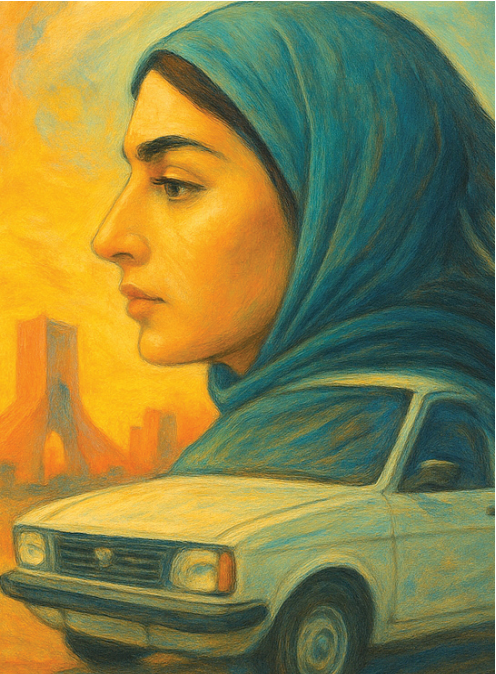
اگر ماشین را در خیابان‌های ایران تنها یک ابزار جابه‌جایی بدانیم، ساده‌انگارانه قضاوت کرده‌ایم. برای خیلی از مردان، همچنان خودرو، نماد قدرت و کنترل است. سال‌هاست مالکیت خیابان برای مردها نوعی حق غیررسمی تلقی می‌شود، انگار فضا‌های عمومی تنها به نام آن‌ها سند خورده. تحلیل‌های جامعه‌شناسی و حتی روایت‌های تاریخی نظیر کتاب ویرجینیا سچارف «پشت فرمان نشستن زنان»، ریشه‌های این نگاه را در سنت و ذهنیت جمعی جوامع نشان می‌دهد: رانندگی زنانه یک جور «تجاوز فرهنگی به قلمرو مردانه» تلقی می‌شود، حتی اگر قرن بیست و یکم باشد!

مقاومت فرهنگی، از شوخی تا پرخاش

هر بار که زنان سعی کرده‌اند ردپای بیشتری در زندگی عمومی بگذارند، طنز و متلک به ابزاری برای برگرداندن آن‌ها به همان محدوده قدیمی تبدیل شده است. کافی است در جمع‌های خانوادگی یا فضای مجازی باشی؛ سوژه کردن خانم‌ها و برچسب زدن به آن‌ها در خصوص احساساتی بودن، نداشتن منطق و بلد نبودن حساب و کتاب یکی از رفتارهای پرتکرار است که به شکل دیگری در خیابان بازتولید می‌شود. این شوخی‌ها شاید ظاهراً بی‌ضرر باشند، اما واقعی‌ترین شکل مقاومت فرهنگی‌اند. مرزهای مردانه با تمسخر و تحقیر دوباره ترسیم می‌شوند؛ هیچ‌کدام از این‌ها تصادفی نیست. جامعه‌ظاهراً شوخی می‌کند اما در پس‌خنده‌ها، دارد سهم زنان در فضا‌های عمومی را کوچک و بی‌ارزش نشان می‌دهد.

احتیاط؛ امتیاز تحقیر شده

عجیب است! همیشه در آموزش رانندگی به احتیاط، قانون‌مداری و آرامش پشت فرمان تأکید می‌شود، اما همین ویژگی‌ها اگر در یک راننده زن دیده شود، ناگهان به نقطه ضعف تبدیل می‌شوند. زنان به خاطر فاصله گرفتن از



آیا واقعاً خانم‌ها در رانندگی ضعیف‌تر هستند؟

سال‌هاست هر وقت پای بحث رانندگی زنان وسط می‌آید، عده‌ای به سراغ «تفاوت‌های زیستی» می‌روند. بعضی با سرهم کردن ایده‌هایی از روان‌شناسی تکاملی و ... می‌گویند: «مردها رانندگی را ذاتاً بهتر بلدند، چون هوش فضایی بیشتری دارند.» یا «زنان دچار دلهره و ترس بیشتری پشت فرمان می‌شوند.» اما اگر با ذره‌بین علم و تجربه به ماجرا بنگریم، تصویر متفاوتی می‌بینیم. پژوهش‌های مدرن حوزه علوم اعصاب و روان‌شناسی، حتی مقالاتی که در نشریه معتبر Nature منتشر شده روی این موضوع تأکید می‌کنند که آن‌قدرها تفاوت معناداری در توانایی‌هوش‌هندسی و فضایی بین مردان و زنان نیست که کل ماجرای رانندگی را با آن توضیح دهیم! در واقع، بخش اعظمی از تفاوت عملکردها، نه از ژن و جیمه، بلکه از آموزش نابرابر و فشارهای اجتماعی بیرون می‌زند.

آموزش، فرصتی نابرابر برای کسب مهارت

در کشور ما از همان ابتدا، دخترها و پسرها به یک میزان در کوچه و جاده فرصت «آزمون و خطا» پیدا نمی‌کنند. دخترها غالباً به دلیل نگرانی برخی خانواده‌ها، تویبج بی‌دلیل، یا حتی جوک‌های تخریبی، کمتر اجازه پیدا می‌کنند که پشت فرمان تجربه کافی به دست آورند. نتیجه واضح است: مهارت‌های فضایی و فنی، که باید در میدان واقعی رانندگی پرورش پیدا کند، برای بسیاری از زنان به تجربه کم و متکی بودن روی آموزش رسمی محدود می‌شود. این خود یک پدیده اجتماعی ست، نه زیستی!

احتیاط، انتخابی آگاهانه و مسئولانه

اغلب زنان ایرانی را می‌بینیم که محتاط‌تر رانندگی می‌کنند. این احتیاط، بر خلاف چیزی که بعضی‌ها آن را ضعف یا ناتوانی می‌دانند، نتیجه احساس مسئولیت است. حضور فرزند یا عزیزان در خودرو، ترس از حادثه، یا حتی نگاه سنگین جامعه

ZENDEGI-SALAM

روزنامه خراسان رضوی

سه شنبه ۷ مرداد ۱۴۰۴

۴ صفر ۱۴۴۷

۲۹ جولای ۲۰۲۵

شماره ۲۱۸۲۷

۳۰۴۶



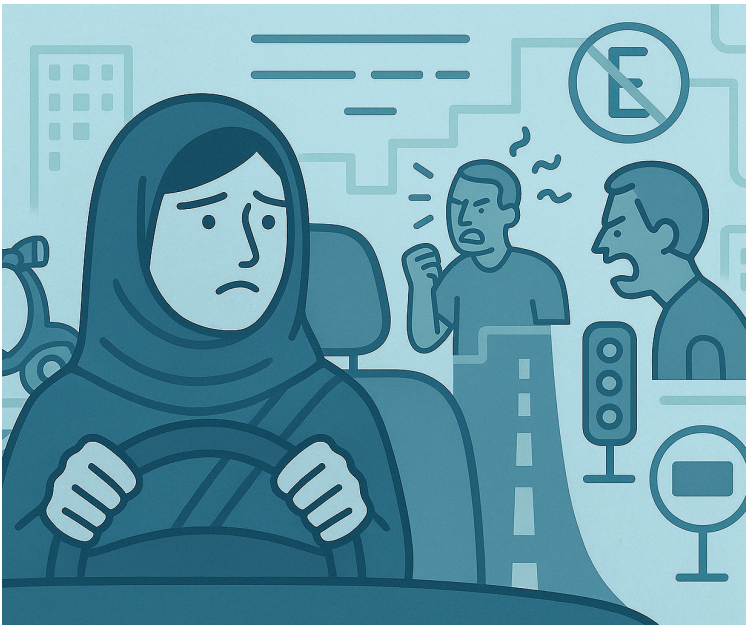
مانورهای ناگهانی یا تخلفات، بارها «ضعیف»، «بی‌دست و پا» یا «فاقد اعتماد به نفس» قلمداد می‌شوند. در حالی که آمارهای تازه (مانند مطالعات OECD) نشان داده میزان تصادفات مرگبار زنان راننده و تخلفات سنگین‌شان به طور محسوسی پایین‌تر از مردان است. با این حال، نگاه قالب جامعه این است: احتیاط نشانه ضعف است نه بلوغ. همین نگاه در صفر رعایت نکردن نوبت را خوب جلوه می‌دهد؛ در امتحان تقلب را و در خیلی کارهای دیگر با فشار اجتماعی ناهنجاری را تبدیل به هنجار می‌کند.

خیابان؛ جایی برای تخلیه فشارهای مردانه

در پس این همه قضاوت، واقعیتی تلخ هم هست: جامعه‌ای که تحت فشارهای اقتصادی و اجتماعی دائماً ملتهب است، نیاز به بستری برای تخلیه دارد. برای برخی مردان، خیابان فرصتی است برای تخلیه خشم و فشاری که جرئت ابرازش در محیط کار یا اجتماع را ندارند. زن راننده، با هر سطحی از خودرو و تجربه، سوژه‌ای بی‌دفاع و کم‌ریسک برای هدف گرفتن این عصبانیت جمعی است. حالا اگر مردی باشد که تصور کند سال‌ها زحمت کشیده و سهمش از دنیا یک پراید مدل پایین است اما در مقابل دختری جوان با پول پدر خودرویی مدل بالا خریده این رفتار تشدید هم می‌شود.

مقاومت، اما این بار از سوی زنان

با یک بررسی میدانی ساده می‌فهمیم تمام این فشارها باعث نشده‌زنان خیابان را ترک کنند یا به خانه‌ها برگردند. اتفاقاً نسل‌های جدید، همین مقاومت و ایستادگی را بخشی از هویت خود کرده‌اند. پشت فرمان ماندن، آرام رانندگی کردن، اصرار بر حضور فعال در شهر و جاده، حالا نوعی اعتراض آرام اما قدرتمند است.



منجر به مرگ ۳ تا ۴ برابر زنان است. البته مطالعات بین‌المللی نشان داده مردها بیشتر مرتکب تخلف‌های جدی مانند سرعت غیرمجاز، سبقت خطرناک یا عبور روی خط ممتد می‌شوند.

زنان به طور معناداری قوانین را بیش‌تر رعایت می‌کنند. در نهایت خانم‌ها بیش از مردان به ایمنی، قضاوت دیگران و آسیب احتمالی فکر می‌کنند و همین باعث کاهش تمایل به رفتارهای ریسکی می‌شود. این یافته‌ها را حتی در ایران هم می‌توان با کمی تفاوت ردگیری کرد.

اضطراب اجتماعی در رفتار آنان نقش بیشتری دارد. همین امر باعث کاهش ارتکاب رفتارهای پرخطر می‌شود، نه ناتوانی در مدیریت موقعیت.

داده‌های جهانی؛ چه کسی بیشتر خطر می‌کند؟

بیبیید سراغ اعداد و مستندات برویم. طبق آمارهای معتبر سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) و سازمان جهانی بهداشت (WHO) مردان سهم عمده‌ای در تصادفات مرگبار دارند. مثلاً در بیشتر کشورهای جهان، سهم مردان در تصادفات